



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۸/۱۳



ثریا رهیاب رحیمی

روز استقلال، سمبول افتخار و سربلندی به مناسبت یکصدمین سال استرداد استقلال افغانستان



صدمین سالروز استرداد استقلال کشور را به فرد فرد هموطنان عزیز تبریک و تهنیت می‌گویم.

روز آزادی باشکوه‌ترین روز ملی ما و روز نهایت با ارزش است که در سرتاسر کشور به انواع و اشکال گوناگون بوسیله مردم و ارگانهای دولتی از آن بزرگداشت می‌شود. آزادی کشور چون با نام شاه امان الله خان گره خورده است ازینرو درین روز تصویر های وی زینت بخش محافل و مراسم گردیده و هموطنان عزیز ما با ایراد بیانیه ها و خطابه ها و سرودن اشعار حماسی از دلیری و قهرمانی آن شهزاده متریقی یادبود می نمایند.

گرچه هستند عده ای که طرز تفکر دگرگونه دارند و بر اساس همان طرز تفکر شان، امان الله خان را به نیکویی یاد نمی نمایند و نقش او را در اعلان استقلال افغانستان کوچک و حتی بی تاثیر می پندارند.

آنها وضع موجود کشور و حضور امریکا را بهانه گرفته به این ترتیب می خواهند بزرگترین حادثه قرن را که سر آغاز فرو ریزی استعمار درین گوشه دنیا بود، نادیده و کم اهمیت جلوه دهند و تجلیل از آنرا بیهوده پندارند. اما این افتخار تاریخی را باید گرامی داشت زیرا این حادثه در حقیقت از یک طرف رهایی افغانستان از تحت الحمایه بودن برتانیه کبیر و از طرف دیگر آغاز یک سلسله ریفورم های ضروری بود که مهمترین آنها عبارت بود از:

- ❖ توجه به انکشاف معارف
- ❖ توجه به نهضت زنان
- ❖ اقدام بی مانند آزاد سازی غلامان و کنیز ها و منع همیشگی آن
- ❖ منع نکاح دختران صغیر
- ❖ داشتن قانون اساسی برای کشور و تنظیم زندگی مردم و امور دولت داری بر مبنای قانون بود.

باید به خاطر داشت که هم استقلال و هم آغاز ریفرم ها اقدامات بی سابقه و تاریخی در کشور بوده تجلیل از آن امریست قابل افتخار برای نسل های امروز و بزرگداشت از اندیشه نوین و مترقی شاه امان الله خان.

اما همه شاهد هستیم که با کمال تأسف این یکی از خصلت های جامعه افغانیست که در یک امر واحد باهم اتفاق نکنند و به نحوی از انحا دامن نفاق و شقاق و دورنگی را محکم بچسبند و نگذارند ملت واحد افغان، یکدست و متفق بسوی ترقی و پیشرفت رهسپار گردد.

اما چه خوب است که افغانستان هم مانند سایر کشورهای جهان یک قهرمان واقعی خود را قدر نماید، از یک روز ملی که نمادی از اتحاد، غرور ملی، شهامت افغانی و میهنی ما می باشد، بزرگداشت نمایند و همه یک آواز و یک صدا در کنار هم برای آبادی و پیشرفت کشور گام بردارند.

امان الله خان گرچه منحصیث یک شهزاده در میان ناز و نعمت دربار بزرگ شده بود ولی طرز تفکر و اندیشه اش کاملاً جدا و دگرگونه از سایر درباریان بود او با مردم و توده ها بیشتر محبت و همنوایی نشان می داد و قلبش برای ترقی و تعالی کشور سریعتر از دیگران می تپید. او به هیچ وجه و در هیچ یکی از صفاتش کمتر از علی جناح پاکستانی و یا محمد رضا ایرانی نبود. بلکه طرز تفکر و تب و تلاشش برای آبادی، اصلاح و پیشرفت میهنش بیشتر و بهتر از آندو و شبیه به مصطفی کمال اتاترک بود که به خاطر خدمات قابل ارجش، به نام بنیانگذار ترکیه نوین یاد می گردد. اما یکی از بدبختی های بزرگ که همیشه مانع پیشرفت و ترقی در کشور ما و سبب ایجاد نفاق و جنگها درین سرزمین گردیده موجودیت همسایه های بد نیت و مودی چون ایران و پاکستان است که اتفاقاً ترکیه ازین مصیبت مبرا بود و کوشش های مصطفی کمال بدون سنگ اندازی های همسایه های مودی، تحقق پذیرفت و ثمر داد.

منحصیث یک عرف ناپسند مردم ما خوش شان می آید و بیشتر مورد قبول شان واقع می شود تا در مورد خوبی ها و زشتی های زمامداران و داشته های فرهنگی و اجتماعی شان، خوب و یا بد را از زبان بیگانه ها بشنوند. به این نسبت در اینجا چند نقل قولی داریم از دیدگاه پژوهشگران خارجی در مورد شخصیت و کرکتر امان الله خان:

لیون پلادا نویسنده کتاب اصلاحات و انقلاب می ۱۹۲۹ نظر شخصی به نام عبد الغنی را که اعلیحضرت را از نزدیک می شناخته چنین می نویسد: " امان الله جوانیست سی ساله ... صاحب شخصیت جالب و محبوب و حاکم بر اعصاب و حرکات خویش، شخصی است خیلی کار کن و زحمتکش از هشت صبح تا نیم شب مصروف کار مملکت است و صرف سه ساعت برای صرف غذا و موتر سواری و مراسم مذهبی تخصیص داده است، ذهن روشن و خالی از تعصب داشته در امور اجتماعی و سیاسی معلومات قابل ملاحظه دارد."

خانم ریه استوارت میل امریکایی نویسنده کتاب آتش در افغانستان می نویسد: " امان الله خان با پوشیدن لباس عادی... به سموارها و چای خانه ها میرفت و با مردم مخلوط می گردید، مردم اگر او را می شناختند باز هم چیزی نمی گفتند و افشا نمی کردند. در زمان سلطنت خود عین رویه و روش را تعقیب می کرد، زندانیان را آزاد می ساخت و سفریه برای شان می داد. حتی در زندان به بندی ها کمک می کرد، در فاتحه ها شرکت می نمود."

در آن زمان که هنوز ترس از استبداد امیر عبدالرحمن خان و دوام آن توسط حبیب الله پسرش از دل مردم بیرون نشده بود شخصیتی با چنین کرکتر طبعاً میان مردم محبوبیت حاصل می کرد، اما در مقابل دشمنان شاه و پروگرام های وی پیوسته در پی تخریب و بدگویی از وی بودند.

توجه امان الله خان به پلان بزرگ اتحاد مسلمین به شمول مسلمانان هند، بزرگترین عامل مخالفت انگلیس ها با وی گردید. حکومت هند برتانوی در نوامبر سال ۱۹۲۹ به لندن اطلاع داد: " ما نمیتوانیم بیشتر ازین امیر را به مقام ... نادیده بگیریم، ما معتقد هستیم که مسلمانان نهایت متعصب و طرفدار خلافت امیر را به حیث خلیفه قبول کند برای ما ضروریست تا بوضع ناگوار هند انتخاب امیر به حیث خلیفه که چه پدیده ها و حوادث نوین به ظهور خواهد رسید پیوسته اندیشناک باشیم . بهتر است از حالا اشاره کنیم توجه تانرا به موضوع جلب نمائیم والبته از اکنون برای خنثی و دفع ان قدم های لازم برداشت و اقدامات مناسب کرد..".

تدابیر انگلیس بنا بر نفوذش در افغانستان تکفیر شاه وحدت خواه جهان اسلام بود و اقدامات ان تا سقوط سلطنتش ادامه یافت. تبلیغات انگلیس چنان موثر بود که تا کنون ورد زبان ملاها و محافل روحانی مغرض در کشور می باشد و هنوز هم به شکلی از اشکال آن ادامه دارد.

و با درک این حقایق لازمست تا از شخصیت عالی و مترقی شاه جوان کشور با نیکی و افتخار یادبود نمود و او را منحیث بدست آورنده استقلال کشور گرامی داشت و روز استقلال را با شکوه و افتخار تجلیل نمود.

پاینده باد افغانستان

زنده باد صلح، دیموکراسی و آزادی.

جاویدان باد نام و تاریخ افغانستان

«نظریات پژوهشگران در مورد شخصیت امان الله خان از فیسبوک داکتر سلیمان روشندل کاپی گردیده»



استقلال، سمبول افتخار و سربلندی
به مناسبت یکصدمین سال استرداد استقلال افغانستان
[Soraya_rahyaab_esteqlal_symbol_sarbelandi.pdf](#)